

روحانی در مخالفت با قانون هسته‌ای مجلس گفت «اجازه بدهید ما با تجربه‌ها کارمان را کنیم»، تاریخ در این باره چه می‌گوید؟

# کارگشته‌ها

حسن روحانی پنجشنبه گذشته و در واکنش به مصوبه مجلس شورای اسلامی ذیل طرح اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها که در صورت اجرا شدن، تعهدات ایران در توافق هسته‌ای را به عقب برمی‌گرداند، نمایندگان مجلس را با کنایه مخاطب قرار داد و گفت: «عجله نکنیم، هول نشویم. اگر دولت موفقیتی به دست آورد، آن را به شما تقدیم می‌کنیم، دست همه را می‌بوسیم، آنهایی که مردم و ملت را کمک می‌کنند، سپس او تویحا مجلس را نابلد خواند و با ادعای اینکه دولت در حوزه دیپلماسی توانمند است و بیش از ۲۰ سال توانسته در این عرصه منافع ملی را تامین کند، گفت: بگذارید با حوصله و تامل و با دقت و خردورزی کارها را پیش ببریم، آنهایی که تجربه بیست‌و چند ساله داشتند و در دیپلماسی موفق بودند، با دقت کارمان را انجام دهیم، این اظهار نظر روحانی که طی دو روز گذشته دستمایه تحلیل‌ها و حتی طنزهای مختلفی در شبکه‌های اجتماعی و محافل رسانه‌ای شده، مقدمه‌ای است برای اینکه تاریخچه و سابقه حسن روحانی و تیمش در عرصه سیاست خارجی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا مشخص شود چه موفقیت‌ها یا شکست‌هایی در اثر فعالیت آنها برای کشور پدید آمده است و آیا واقعا آنها در عرصه دیپلماسی توانمند و کاربلد هستند یا خیر؟ برجام و همچنین مذاکرات سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۸۰ دو نمونه‌ای است که به‌وضوح پاسخگوی این سوال است.



## از خزانه خالی تا بمب‌های آمریکا

معلوم نیست که چرا کسی ادعای توانمندی در انجام مذاکره و دیپلماسی را دارد که مجری برجام به‌عنوان یکی از ضعیف‌ترین توافقی‌های تاریخ بوده و تجربه آن همچنان پیش‌روی همه مردم است و کسی هنوز آن را یاد نبرده است. تمام قواعد عقلی، علمی و تجربی می‌گوید برای رسیدن به یک هدف بزرگ در مذاکره اولاً باید از موضع فعال وارد میز مذاکره شد و ثانیاً تا جایی که امکان دارد برای رسیدن به هدف سرسختی نشان داد و از منافع ملی کوتاه‌نیامد. در برجام اما دقیقاً مسیری عکس طی شد و تیم دیپلماتیک ما از موضع انفعال وارد مذاکره شد؛ یعنی از یک سو رئیس‌جمهور که باید کشور را در نقطه قوت معرفی کند و نگذارد طرف خارجی به نقاط ضعف و احتیاجات ما بی‌ببرد در آنست‌اندازه مذاکرات در صداوسیما می‌گفت خزانه کشور خالی است (که البته همچنان معلوم نیست آن حرف صحت داشت یا نه) و برای داشتن آب‌خوردن هم باید مذاکره کنیم و از سوی دیگر تیم مذاکره‌کننده که باید خود را باصلاات نشان دهد از یک سو معتقد بود تمام سیستم دفاعی ما با یک بمب آمریکا منهدم می‌شود و از سوی دیگر با تئوری هر توافقی بهتر از عدم‌توافق است به مذاکره و رسیدن به توافق پرداخت که البته نتیجه آن هم کاملاً مشخص است. حال‌آما همین تیمی که حداقل‌ها و بدیهی‌ترین مسائل در مذاکره را رعایت نکرده است ادعای کاربلدی می‌کند و می‌گوید مجدداً ما را آزاد بگذارید تا توافق کنیم.

## دری اصفهانی هم بلد بود؟

وقتی برجام در حال نگارش بود، چالش بزرگی در کشور شکل گرفت و آن اینکه بخش عمده‌ای از مسئولان، کارشناسان و نمایندگان مجلس از دایره مشورت و همکاری کنار گذاشته شدند و کار صرفاً در یک تیم کاری محدود و بسته جلورفت. این درحالی بود که توافقی جامع مثل برجام نیاز به استفاده از حد اکثر ظرفیت کارشناسی داخلی برای تحریر توافق داشت و در این خصوص البته چالشی مضاعف هم گریبانگیر کشور شد. بدین معنا که علاوه بر حذف کارشناسان و متخصصانی که می‌توانستند ولو با گرایش متفاوت سیاسی کمک‌حال تیم مذاکره‌کننده باشند، درون تیم مذاکره‌کننده کسانی قرار داشتند که بعدها معلوم شد بیشتر از منافع ملی دلسوز جیب‌شان بوده‌اند و با واسطه‌هایی همکاری با سرویس‌های خارجی را پیش گرفته‌اند. یکی از این افراد که نشان ویژه نیز از رئیس‌جمهور دریافت کرد، عبدالرسول دری اصفهانی، نماینده وقت بانک مرکزی در تیم مذاکراتی بود. او قرار بود برای حل مشکل بانکی کشور کمک کند؛ چندی بعد از پایان مذاکرات و با لورفتن برخی مسائل، در تابستان سال ۹۵، دری اصفهانی به همکاری با طرف غربی متهم شد و با حضور در دادگاه به همین جرم محکوم و بازداشت شد. او در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۴ در جریان تقدیر از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای از حسن روحانی، نشان درجه سه خدمت دریافت کرده بود و این درحالی بود که اولین مشکلی که از ایران در جریان برجام حل نشد، همین ماجرای تحریم‌های بانکی و روابط مالی رسمی با کشورهای مختلف دنیا بود. البته نه موضوع مسبوق به‌سابقه است و سیدحسین موسویان که در اولین تیم مذاکرات روحانی با ترویکای اروپایی در آغاز دهه ۸۰ حضور داشت، یکی از این نمونه‌های دیگری است که وزارت اطلاعات در سال ۸۹ در بیانیه‌ای وی را جاسوس خواند.

## خروج آمریکا بدون پرداخت یک سنت هزینه

متن توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای عضو گروه ۵+۱ دارای مشکلات و ایرادات بسیار بزرگی بود، کما اینکه سست بودن چارچوب این توافق و عدم‌تضمین اجرایی، سبب شد در اردیبهشت‌ماه ۹۷ دولت ترامپ به‌صورت یک‌طرفه از برجام خارج شود و هیچ هزینه‌ای نیز نپردازد. مباحثه ظریف و فواد ایزدی عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران در جلسه شورای روابط خارجی تنها ۲۰ روز پس از انعقاد برجام موبد همین سست بودن چارچوب‌های برجام است؛ ظریف در این جلسه و در پاسخ به سوال ایزدی درباره امکان خروج رئیس‌جمهور بعدی آمریکا از برجام می‌گوید: «ما یک توافق چندجانبه به اسم برجام داریم که توسط شورای امنیت تایید شده است. آمریکایی‌ها و کری هم در جلسه عمومی این حرف را زده‌اند که این یک قرارداد نیست... طبق قطعنامه غیرفصل هفتمی ملل متحد است، قطعنامه ماده ۲۵ است؛ اما بحث ما همانی است که من گفتفم؛ مبنای مقبولیتی بین‌المللی... فرض بفرمایید ۱۸ ماه دیگر [رئیس‌جمهور جدید بیاید] مطمئن هستم چاره‌ای ندارند، اینکه [از سر] علاقه باشد... الان به قول تام کاتن رئیس‌جمهور بعدی آمریکا می‌خواهد تحریم را با یک امضا برگرداند؟ خوب برگرداند، چه کسی در دنیا آن را اجرامی کند؟... واقعیتش این است که انتهای قضیه حقوق بین‌الملل اجرامی شود». البته اسحاق جهانگیری نیز که پیش از خروج آمریکا در مهرماه ۹۶ گفته بود، «منتقدان برجام می‌گفتند ترامپ بیاید، برجام را آتش خواهد زد، تحریم‌ها برخواهد گشت، پس کوف؟!» در یک اعتراف تلخ در تیرماه ۹۷ اقرار کرد که «ما غافلگیر شدیم و گمان نمی‌کردیم روزی آمریکا از توافق هسته‌ای خارج شود». این حرف را البته در اسفندماه ۹۷ محمود واعظی نیز تکرار کرد.

## کاربلد‌ها و فرآیند اسنپ‌ک

ماجرای مکانیسم ماشه با همان اسنپ‌ک که در دسرهای زیادی برای کشور در ماه‌های گذشته ایجاد کرد از آن شاهکارهای بی‌نظیری است که مدعیان توانمندی در مذاکره و توافق، در برجام از خود به‌جا گذاشتند و موجب تعجب عالم و آدم را فراهم آوردند. مکانیسم ماشه مربوط به فرآیند حل‌دهای جانمایی شده در برجام است. موضوعی که دو وجه مشخص دارد؛ یکی درباره فرآیند رسیدگی به دادخواهی ایران که ناقص است و دوم فرآیند رسیدگی به اعتراض طرف مقابل که بسیار دقیق، کامل و فراتر از انتظار است. بند ۳۶ برجام برای رسیدگی به اعتراض ایران است. طبق این بند به ایران اجازه داده شده بود در صورت نقض عهد طرف مقابل، بخشی از تعهدات خود را به‌صورت جزئی یا کلی لغو کند، طرحی که اساساً امکان رسیدن ایران به اهدافش را کم‌رنگ می‌کرد؛ چرا که بازگشت تعهدات ایران به حالت قبلی بسیار پرهزینه و زمان‌بر بود و البته قابل نقد و اعتراض آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ولی هیچ مرجعی نبود که هزینه‌هایی برای نقض عهد طرف مقابل ایجاد کند. مساله عجیب‌تر اما مربوط به بند ۳۷ است؛ جایی که این امکان را به طرف مقابل می‌داده که طی فرآیندی حدوداً دو ماهه و با اصرار بر ادعای خود ولو اینکه غیرمتقن باشد، کار را به شورای امنیت سازمان ملل بکشاند و در آنجا با یک فرآیند وارونه قطعنامه ۲۲۳۱ را ملغی کرده و قطعنامه قبلی را احیا کند. در این بخش آمده بود که با اعلام وصول شکایت‌یک‌طرفین، با تشکیل جلسه‌ای درباره تداوم لغو تحریم‌ها و لغو قطعنامه‌های قبلی رای گیری خواهد شد که طبیعتاً با عدم‌موافقت حتی یک عضو این قطعنامه هرگز به ثمر نمی‌نخست و کار تمام می‌شد.

## گره‌ناگشوده‌ی مرادوات بانکی و لغو تحریم‌ها

یکی از مهم‌ترین دلایلی که هرگز نگذاشت برجام موجب رفع تحریم‌های ایران به‌ویژه در عرصه مالی و بانکی شود، بندی بود که در ضمیمه دوم گنجانده شده بود؛ در بند ۱۶ ضمیمه ۲ برجام این‌گونه آمده است: «مؤسسات مالی غیرآمریکایی، غیرایرانی که با مؤسسات مالی ایرانی (شامل بانک مرکزی ایران) که در فهرست SDN قرار ندارند، معامله انجام دهند، به دلیل فعالیت آن مؤسسات مالی ایرانی در نقل و انتقالات یا روابط بانکی با افراد و اشخاص حقوقی که در فهرست SDN نام برده شده‌اند، در معرض تحریم‌ها نخواهند بود، مشروط به اینکه موسسه مالی غیرآمریکایی، غیرایرانی نقل و انتقالات مشخص مزبور با افراد و اشخاص حقوقی ایرانی نام برده شده در فهرست SDN انجام نداده باشد یا آنها را تسهیل نکرده باشد و به شکل دیگری در چنین روابط بانکی دخیل نبوده باشد... بنابراین با یک واسطه کوچک میسر تداوم تحریم‌ها را باز گذاشته و از لغو برجام آنها به‌طور اساسی جلوگیری کردند. کما اینکه پس از برجام نیز مشکل بانکی و مرادوات جامع اقدام مستترک، چهاربار تا جایی که به گفته برخی مسئولان وزارت امور خارجه ما حتی نمی‌توانیم حقوق کارمندان سفارت خود را در لندن بپردازیم. از سوی دیگر سال ۹۴ وقتی ظریف پیرامون توافق برجام به مجلس رفت، در پاسخ به لایحانه‌ی مبنی بر تعلیق تحریم‌ها گفت: «در هیچ‌جای برجام تعلیق نیامده است و کلمه تعلیق در برجام وجود ندارد و هرکسی تعلیق را ترجمه کرده، اشتباهه ترجمه کرده است؛ هیچ‌جای برجام تعلیق نیامده است.» این درحالی بود که در متن برنامه جامع اقدام مستترک، چهاربار از لفظ «تعلیق» (Suspend) استفاده شده است که همه آنها نیز مربوط به بخش تحریم‌های علیه ایران بود و از سوی دیگر ۱۱ بار از لفظ «توقف موقت» (Cease) استفاده شده است.

## رودست البرادعی

یکی از کلاه‌های گشادای که بر سر تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای در سال ۸۲ می‌رود و حسن روحانی بعداً به‌تفصیل آن را در کتاب خود بیان می‌کند، وعده‌ای است که محمد البرادعی به وی می‌دهد، اما بعداً زیر قول خود می‌زند و توقف گازدهی به سانتریفویژرها را به تعطیلی قطعه‌سازی و... در صنعت هسته‌ای تعمیم می‌دهد. این شاهکار بزرگ حسن روحانی را به روایت خودش در صفحات ۱۶۶، ۱۸۶ و ۲۱۵ بخوانید: «به البرادعی گفتم شما یک حقوقدان هستیدی، من هم یک حقوقدانم. آیا از لحاظ حقوقی تعلیق غنی‌سازی غیر از توقف موقت گازدهی است؟ آیا نظر شما غیر از این است؟ گفت نه، دقیقاً تعلیق گازدهی کافی است... در مذاکرات تهران (سعدآباد) تعلیق را در حد مجوزی که از سران نظام داشتیم و در چارچوب توافق با البرادعی قبول کردیم و لذا در بیانیه نوشته شد: «در چارچوب تفسیر آژانس»، البته البرادعی بعداً تحت فشار اروپا تخطف کرد و آژانس هم با تفسیر جدیدی علاوه بر نطنز، قطعه‌سازی و مونتاژ هم جزء موارد تعلیق اعلام کرد... خطاب به البرادعی اضافه کردم چراتخلف کردید؟ ولی این تفسیر گروه فنی ما است... من به‌تندی به او پاسخ دادم که شما در تهران به من قول دادید که تعلیق، تنها تعلیق گازدهی است و ما هم طبق نظر شما عمل کردیم. البرادعی گفت: اولاً من تنها نیستم، کارشناسانی هم در آژانس هستند که نظر آنها چنین است. ثانیاً تعلیق شما برای اعتمادسازی است، بنابراین اگر سختگیری کنید به هدف خود لطمه زده‌اید. اصولاً شما برای چه می‌خواهید قطعه بسازید وقتی غنی‌سازی تعلیق می‌شود؟ این فعالیت را هم کنار بگذارید و همه را مطمئن کنید! این به نفع شماست.»

## تحریم شکنی یا تحریم‌سازی

حسن روحانی همچنان که در مذاکرات برجام نتوانست تحریم‌ها را از میان بردارد (برخلاف اینکه وعده آن را داده بود و اعلام هم کرد که سساتختمان تحریم ترک برداشت) و بیشتر توافقی کرد که پایه بازگشت و وضع بیشترین تحریم‌های تاریخ بر ایران بود، در جریان مذاکرات ابتدایی دهه ۸۰ و با وجود اینکه صنعت هسته‌ای ایران تعطیل شده بود نیز هرگز نتوانست تحریم‌های کشورهای اروپایی علیه ما را مرتفع سازد. در این باره رئیس‌جمهور در صفحه ۳۷۶ این کتاب با اشاره به بدعهدی و پیمان شکنی اروپایی‌ها می‌نویسد: «در حوزه اقتصادی هم کار به این دلیل پیش نمی‌رفت که ما می‌گفتیم تحریم‌ها باید شکسته شود، اما آنها می‌گفتند اینها مرحله‌ی دارد و در کوتاه‌مدت نمی‌توان به نتیجه رسید. ما دیدیم که گویی می‌خواهند بحث را چند سال ادامه دهند... و البته توضیفی از یک بهانه بزرگ‌تر هم دارد؛ بهانه‌ای که می‌گوید اروپایی‌ها سدی را در مقابل ایران گذاشته بودند که اساساً امکان شکستن با عبور از آن وجود نداشت و لذا هیچگاه ممکن نبود مذاکره به نتیجه برسد. روحانی در این باره می‌نویسد: «در ضمن اروپایی‌های می‌گفتند بر فرض که این تحریم‌ها را برداریم، شما باید مشکل‌تان را با آمریکا نیز حل کنید. برای اینکه در شرایط تحریم آمریکا، شرکت‌های ما با شما کار نمی‌کنند. پیشنهادهای اقتصادی آنها هم در حد دانه و ام و خرید گاز از ایران یا ادامه مذاکرات در خصوص موافقت‌نامه تجارت و همکاری بود... با وجود این اما کار به همین جا ختم نشد و اروپایی‌ها با هماهنگی آمریکا و ارسال پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت تحریم‌های جدیدی را نیز علیه ایران اعمال کردند.»

## توجیه داخلی به جای تامین منافع ملی

یکی از نواقص و چالش‌هایی که هم در جریان برجام به‌خوبی شاهد آن بودیم و هم در ماجرای مذاکرات ایران با سه کشور اروپایی در ابتدای دهه ۸۰، مربوط به نوع تعهدات و تضمین‌هایی است که طرفین در آن به ایران ارائه کرده‌اند. به‌واقع در هر دو مورد ایران تعهدات دقیق، مشخص، بر روی زمین و با نتایج معلوم دارد و در عوض از طرف مقابل تعهداتی کلی، صرفاً روی کاغذ و با نتایج مبهم گرفته شده است که خوب نتیجه آن در هر دو مورد مشخص بود. ماجرای تاسف‌بار اما این است که در هر دو مرتبه به‌جای حل مشکل و یافتن راه‌سی جدید تیم ایرانی به توجیه ماجرا روی آورد و به‌جای گرفتن حق ایران از طرف خارجی سعی کرد فضای داخلی را مدیریت کند. در جریان مذاکرات سعدآباد این اعتراض به حسن روحانی می‌شود که چرا چنین تفاوتی در تعهدات طرفین وجود دارد؟ او به‌جای اینکه پاسخ دقیق بدهد، به توجیه این ایراد بزرگ روی می‌آورد و مطابق آنچه در صفحه ۲۶۰ کتابش آورده، می‌گوید: «سه کشور اروپایی نمی‌توانند از طرف ۳۵ کشور به ما قول قطعی بدهند، می‌توانند بگویند ما تلاش می‌کنیم، غیر از این عبارات نمی‌توانند عبارت دیگری به کار ببرند.» اگر خاطراتان باشد همین توجیه در جریان مذاکرات برجام هم درباره تفاوت دولت و کنگره آمریکا بیان شد و به‌جای اینکه با مصوباتی در کنگره اساس تحریم تلاشی شود با توجیه اینکه نمی‌توان کنگره آمریکا را همراه کرد، صرفاً به تعلیق و نه لغو تحریم‌های آمریکا بسنده شد و نهایتاً آنهایی که با یک دستور اجرایی برطرف شده بودند، به‌سادگی با دستور اجرایی بعدی همگی بازگشتند.»

## هم تعلیق هم ارسال پرونده به شورای امنیت

اساساً اصلی‌ترین هدفی که تیم مذاکره‌کننده ایرانی در سال‌های ۸۲ و ۸۳ برای ورود به مذاکرات اتمی با اروپایی‌ها مطرح کرد، جلوگیری از ارسال پرونده ایران از شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل بود؛ اتفاقی که برای آن ایران امتیازهای سنگین داد و تقریباً هیچ چیزی دریافت نکرد. پس از گذشت دو سال از تعلیق کامل صنعت هسته‌ای ایران یعنی از پاییز ۸۲ تا پاییز ۸۴ نهایتاً ایران تصمیم گرفت در واکنش به بدعهدی اروپایی‌ها بخشی از تعلیق صنعت هسته‌ای را بشکند. در این زمان پلمب کارخانه یوسو اف اصفهان باز می‌شود، ولی همچنان باقی‌سایت‌ها از جمله سایت نطنز که سایت اصلی فعالیت‌های هسته‌ای ایران بود بسته باقی می‌ماند، در این حال و با وجود در جریان بودن مذاکرات اروپایی‌ها ناگهان پرونده هسته‌ای ایران را به شورای امنیت سازمان ملل می‌فرستند. در این باره حسن روحانی در کتاب «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» می‌نویسد: «اروپا در مذاکرات تهران تعهد کرده بود تا زمانی که فعالیت نطنز آغاز نشده است، از ارجاع پرونده هسته‌ای به شورای امنیت جلوگیری کند، ولی در بهمن ۱۳۸۴ در شرایطی پرونده هسته‌ای به شورای امنیت ارجاع شد که نطنز در تعلیق بود، بنابراین اروپا تعهد خود را نقض کرده بود... در دولت نهم هم تعلیق نطنز هسته‌ا ادامه یافت و حتی اگر شورای حکام به دلیل راه‌اندازی UCF اصفهان، پرونده را به شورای امنیت ارجاع نمی‌داد، نطنز به آن زودی راه‌اندازی نمی‌شد و مسیتر مذاکرات ادامه می‌یافت.»

## چیزی شبیه کاپیتولاسیون

در مورد اینکه آیا بعد از پایان دوران مسئولیت حسن روحانی در جایگاه ریاست‌قوه مجریه در دولت‌های یازدهم و دوازدهم او رو به نوشتن خاطرات خود می‌آورد و آنقدر صادق هست که جزئیات آنچه در برجام رخ داده را برای ثبت در تاریخ مانند مذاکرات سعدآباد به رشته تحریر درآورد، چیزی نمی‌دانیم، اما او به صریح‌ترین وجه ممکن در مورد مذاکرات دهه ۸۰ و نتایج آن توضیحات مهمی را در کتاب خود یادآور شده که یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن درباره تفاوت امتیازهایی است که ما دادیم و آنچه اروپایی‌ها می‌خواستند به ایران بدهند. روحانی در کتاب امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای درباره بسته پیشنهادی اروپا به ایران می‌نویسد: «در مجموع پیشنهاد مذکور در زمینه تقاضاها از ایران بسیار طولانی اما در مورد پیشنهادهای ارائه‌شده به ایران به‌طور مضحکی کوتاه و نارسای می‌باشد. فقدان هرگونه تلاش برای ایجاد ظاهری متوازن، این پیشنهاد را به دستور استعمراری کاپیتولاسیون شبیه می‌سازد. پیشنهاد یادشده توهینی به تمام ملت ایران است که سه کشور اروپایی باید به‌خاطر آن از ملت ایران پوزش بطلبند.» «تقریباً هیچ» است که ولی‌الله سیف در فروردین سال ۱۳۹۵ درباره عایدی ایران از توافق هسته‌ای با ۵۰+ در گفت‌وگو با بلومبرگ بیان کرد. به‌واقع از این دو عبارت می‌توان فهمید که حسن روحانی و تیمش در جریان دو بار مذاکره هسته‌ای چه برای کشور به ارمغان آورده‌اند.